

تحقیق ماللهند

ریخته خامه

استاد رئیس

ابوریحان بیرونی

جلد یکم

پارسی کرده:

منوچهر صدوقی

چاپ دوم

طهران



۱۳۹۸ خورشیدی

سرشناسه	ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، ۳۶۲ - ۴۴۰ ق. Biruni, Muhammad ibn Ahmad
عنوان قراردادی	تحقیق ماللهند . فارسی
عنوان و نام پدیدآور	تحقیق ماللهند / تصنیف ابوریحان بیرونی؛ مترجم منوچهر صدوقی سها.
مشخصات نشر	تهران: نشر سورا، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج.:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۴۶۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	هند -- تمدن -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	India -- Civilization -- Early works to 20th century :
شناسه افزوده	صدوقی سها، منوچهر، ۱۳۲۷، مترجم
رده ی کنگره	DS۴۲۵
رابطه بندی یویی	۹۵۴/۰۲:
شماره کتابشناسی ملی	۶۰۰۰۹۷۶:



نشر سورا

عنوان کتاب:	تحقیق ماللهند
مصنف:	استاد یس ابوریحان بیرونی
پارسی کرده:	منوچهر صدوقی سها
طراح جلد:	بزرگمهر حسن پور
صفحه آرا:	شادی حمیدی
چاپ اول:	زمستان ۱۳۹۸
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۴۶۶-۵
قیمت:	۷۰۰۰ تومان
وبسایت:	www.sourapublication.com
صندوق پستی:	تهران، ایران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۶۱۷۴

تمامی حقوق این اثر برای نشر سورا محفوظ است.
تکثیر یا تولید مجدد آن، کلی یا جزئی، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)، بدون اجازه ی مکتوب ناشر، ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۷	 دیباچه چاپ دومین
۱۱	 دیباچه چاپ نخستین
۱۵	 مقدمه
۲۳	 < + آغازه >
۲۹	 ۱ در ذکر احوال هند و تقریر آن قبل از آنچه که قصد حکایت آن داریم
۳۳	 ۲ ذکر اعتقاد آنان در خدای سبحان
۴۳	 ۳ در ذکر اعتقاد آنان در موجودات عقلی و حسی
۴۷	 ۴ در سبب فعل و تعلق نفس به ماده
۵۳	 ۵ در حال ارواح و تردد آن در گیتی به تناسخ
۶۱	 ۶ در ذکر عوالم و مواضع پاداش از بهشت و دوزخ
۷۵	 ۷ در چونی رهایی از دنیا و وصف طریق رسانندهی بدان
۸۳	 ۸ در اجناس خلایق و نامهای آنان
۸۷	 ۹ در ذکر طبقاتی که «رنگها» می نامندشان و جز آن
۹۱	 ۱۰ در منبع سنتها و قوانین و پیامبران و نسخ شرایع
۱۰۱	 ۱۱ در مبدأ عبادت بتان و چونی آویختهها

- ۱۲ در ذکر بید و پران‌ها و کتاب‌های آئینی آنان ۱۰۹
- ۱۳ در ذکر کتب آنان به نحو و شعر ۱۲۱
- ۱۴ در ذکر کتب آنان به دیگر دانش‌ها ۱۲۷
- ۱۵ در ذکر معارفی از مقادیر و اوزان آنان که سخن از آن به خلال کلام به سهولت رسد ۱۳۵
- ۱۶ در ذکر معارفی از خطوط و حساب و شیئی از رسوم بدیع آنان و جز آن ۱۴۷
- ۱۷ در ذکر علومى از آنان که شکننده‌ی بال‌ها است بر افق نادانى ۱۵۳
- ۱۸ در ذکر معارفی گونه‌گون از شهرها و نهرها و دریای آنان و برخی مسافتات به میانه‌ی کشورها و حدودشان ۱۶۵
- ۱۹ در اسماء اختران و قمر و مانند آن ۱۶۵
- ۲۰ در ذکر برهماند ۱۷۳
- ۲۱ در صورت زمین و آسمان بر وجوه آئینى راجع است به اخبار و روایات سمعی ۱۷۹
- ۲۲ در ذکر قطب و اخبار آن ۱۸۷
- ۲۳ در ذکر کوه میرو بر پایه آنچه که اصحاب پران‌ها ۱۹۱
- ۲۴ در ذکر دیپ‌های هفت‌گانه به تفصیل از جهت پران‌ها ۱۹۷
- ۲۵ در ذکر انهار و مخارج و گذرهای آن بر طوائف ۲۰۳
- ۲۶ در صورت زمین و آسمان به نزد اخترشماران آنان ۲۰۹
- ۲۷ در دو حرکت نخستین به نزد اخترشماران آنان و به نزد اصحاب «پران»‌ها ۲۲۱
- ۲۸ در تحدید جهات ده‌گانه ۲۲۹
- ۲۹ در تحدید [قسمت] معمور از زمین به نزد آنان ۲۳۳
- ۳۰ در ذکر لنگ که شناخته به قبة الارض است ۲۴۷

دیباچه چاپ دومین

هوالحق

ایدونا که به نقش بسوی روش بنان کارخانه غیب این نامه همایون از پی سالیانی دراز از طریق تجدید طبع، فراداد داد - آنانی که خواهان آن می بودند می آید، یاد معنایی چند مختصر بداین مقام معنون به عنوان دیباچه چاپ تازه آن بایسته می افتد و این است آن که:

۱- متن به سال ۱۳۶۲ خورشیدی به مدد برخی وستان گرامی و از آن میان بالاخص یاران دانای راد استاد بهاءالدین خرمشاهی - دام بهاء - و دکتر سیدحسین ضیایی تربتی - طاب ثراه - و همت پژوهشگاه علوم انسانی فعلی که بدانگاهش: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی می نامیدند، حلیت انطباع یافت و چندی نگذشت که نایاب گشت و فرادست نمی آمد تا مگر اکنون به خواستاری و کوشایی یار دانا برزو قهری - زاده الله توفیقا - که حکم انصاف را به میانه فضلایی ایرانی که بدین روزگار اعتنایی با معارف هندوانی می دارند، ممتاز است به امتیازی تام و برهان صحت این مدعی، پارسی کرده شرح گونه او است «پاتانجلی» استاد رئیس ابوریحان بیرونی را، به طبعی جدید می رسد و دل آنانی که خواهان آنند خرسند می گرداند، فله الشکر.

۲- نهاده بر پایه حکم درست: الفضل للمتقدم بایسته می آید که مذکور آوردم که بیش از من بنده اولاً فاضل مفضل المعی مرحوم مبرور علی اکبر صیرفی داناسرشت زنجانی - طاب ثراه - رفته ۱۳۶۸ خورشیدی منتخبی و به تعبیر شخص شخیص او: «چند فصل»

از آن را علی الظاهر به سال ۱۳۳۴ خورشیدی به پارسی اندر آورده است و مطبوع گردانده و ثانیاً یار دانا استاد دکتر غلامرضا اعوانی - مَتَعْنَا الله بدوام إفاضاته - فصلین نخست و دومین آن را پارسی گردانده است و به مجله جاویدان خرد >= سال ۱۳۹۶ قمری، سال ۲، شماره ۱ < مطبوع آورده.

۳- بدان سان که به دیباچه چاپ سابق آورده‌ام کلمه «یرهزن» >= متن تازی: ص ۱۳۹ - سر ۴ و چاپ سابق ص ۱۴۲ - س ۱۶ < از سر آن که معنایش به فرهنگ‌های مورد مراجعه نیافته بودم بر حال خویشتن بهشتم و از پی انتشار، استادالاساتید دکتر احمد مهدوی دامغانی - مَتَعْنَا الله بدوام إفاضاته - آن معنی با من بنده به افادت اندر آورد و لکن گذشت روزگار شر فراموش گردانید تابدینگاه از پی تحصیل آن دست در کار آوردم و بازش فرادست نمی آوردم تا فاعله مضال، دکتر سیدحسن سیدعرب - زاده الله توفیقاً - به متنی کهن «کتاب الافعال» نام آن مکشوفش، آورد و سبب اصلاح و تکمیل پارسی کرده گشت.

۴- مرحوم مبرور دکتر احمد احمدی ملایری - طاب ثراه - نیز با من بنده فرمود که کلمه «ختن» >= متن تازی ص ۸۲ - س ۱. پارسی کرده: ص ۸۰ - س ۳ < به نادرستی به پارسی اندر آمده است و ایدونا که چسم در ناه، می گردانم می یابم که آن سخن به حق گفته است و من خطا کرده‌ام آن هم خطای عظیم به حوزه خویش، خاک پاک او از ریزش ابر رحمت شاداب باد و ایزد از خطای من بند، درگذراد.

و هرگونه‌ای که می‌بوده باشد این است داستان بد این نام که کلمه «ختن» چنانکه برهامش آن به پارسی کرده نیز به إشعار اندر آورده‌ام از اضداد است و به معنای پدرزن و برادرزن و داماد و جز آن نیز می‌آید و به متن که بدان از پی عبارت: ... فَإِنَّ النَّسَبَ كَانَ وَ قَتْنُ عَلَى أَحَدِ ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ ... «وارد است که «... وَ الثَّانِي مِنْ صُلْبِ الْخَتَنِ فِي بَطْنِ الْإِبْنَةِ الْمَرْفُوقَةِ إِذَا شَوَّرَ عَلَى أَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ لِابْنَيْهَا فَيَكُونُ حَيْنُذٌ وَ لَدِ الْإِبْنَةِ لِلْجَذِّ الْمَشَارِطِ دُونَ الْإِبْنِ الْزَارِعِ...» بس آشکار است که مراد، بدان گونه‌ای که مرحوم مبرور دکتر احمدی - طاب ثراه - من بنده رابه درستی متذکر آورد همانا: «داماد» است و نه: «پدرزن» و هیچ در نمی‌یابم که چه افتاده بوده است که چنین معنایی بدین روشنایی درنیافته‌ام و آن را تاریک و بل تباه گردانیده‌ام و گفته‌ام که: «... و دو دیگر از صلب «پدرزن»؟! در بطن دختر

مزفوف بدانگاه که شرط شود که ولد، پدر او را باشد که بدین حال، فرزندی را خواهد بود که شرط کرده است نه پدری را که تخم کاشته» که البته افزون بر اینکه مخالف صریح متن است از بن و بنیاد، معنایی است باطل و لکن چه بتوان کرد؟

چشم باز و گوش باز و این عمی

حیرتم از چشم بندت خدا

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

۵- سخن واپسیر: هم این است که از پی نشر پارسی کرده، چنانکه معهود است و معلوم، گروهی از آن سخن گفتند و یاد کردند برخی به خوبی و برخی به بدی که ایدونا نام آن «نقد» می‌نهند؟

و هر گونه‌ای که می‌بود، باشد یکی از آن میان و یعنی آن گفتارهای بدگویی نامیده به «نقد» گفتاری بود از مرحوم دکترا امقی - سامحه الله - «نوشته‌های بیرونی در زبان فارسی و نقد کتاب تحقیق ماللهند ترجمه شوقی سها» نام آن، مندرج به مجله آینده >= سال یازدهم، شماره ۶-۷، سهریور و مهر ۱۳۶۴، ص ۴۸۶-۵۱۰ < که به آغازهای آن وارد است که: «... آنچه بنده را وادار کرد که این مختصر را که به نام نامی ابوریحان مزین است بنویسد انتشار ترجمه جلد اول، کتاب تحقیق ماللهند آن بزرگوار است >= ص ۴۸۶ < و آنگاه از پی ایراد مطالبی که راجع است به ایشان آثار استاد رئیس، وارد ساحت «نقد» معهود؟! می‌گردد و هر آنچه که دل تنگش می‌خواهد می‌گوید:

و کذلک هذا الزمان قصیده

اضطرّ قائلها الى الايطاء

و ایدونا از سر آن که او >= مرحوم دکترو امقی - طاب ثراه - < گاهی که به تعاقب ایام قضا را به جائی باهم رسیدیم و سخن از آن گفتار در میان آمد با حالی انفعالی بگفت که (موجب شرمساری است) چنین بردل و زبان می‌دارم که ایزد دانا و گواه است که از آن‌گاه تاکنون

هیچ رنجشی به هیچ روی از او نمی‌دارم و جز به نیکی سخنی از او نمی‌گویم - خاکش پاک باد و از ریزش ابر رحمت سیراب و شاداب - و البته این معنی نیز به جای خویش محفوظ است که سرانجام می‌باید این گفتار نیز محلّ «نقد» افتد.

والسّلام ولله الحمد فی الآخرة والاولی .

وكتب الاشیئی سہا - أقال الله عثراته -

فی ۲۵/دی ۹۸ بطهران صینت عن الحدّثان

www.ketab.ir